

سید حسن عباس،

گروه فارسی دانشگاه هندوی بنارس واراناسی

دورساله از وارسته سیالکوٹی مل

احقاق وجواب شافی

وارسته سیالکوٹی (م ۱۱۸۰ھ) یکی از برجسته ترین ادیبان و منتقدان ادبیات فارسی در قرن دوازدهم در شبه قاره به شماری آید۔ با وجود این، تذکره های این دیار از ذکر وی خالی می باشد۔ فقط کچھی نراین شفیق اورنگ آبادی در تذکره گل رعنا و علی حسن در ”صبح گلشن“، و بهگوان داس ہندی در ”سینہ ہندی، یادی از وی کرده اند۔ شفیق می نویسد:

”وارسته: مولد سیالکوٹ از توابع لاہور است لہذا نام اور سیالکوٹی مل بود۔ از ابتدای سن شعور، ذوق سخن بہم رسانده و در نظم و نثر رتبہ شایستہ پیدا کرد و رسائل مفیدہ نوشت از آنجملہ رسالہ مصطلحات الشعرأ..... مرد قصیر القامت بود و زبان گزنده داشت۔ اکثر معاصران خود را بجو کرد۔ معاصران ہم در خدمت گزاری کمی نکردند مثل میر محمد علی رانج سیالکوٹی و شیخ نور العین واقف بتالوی و دیگران۔ از وطن برآمدہ جرمان آباد و جاہای دیگر را سیر کرد و جماعت موزونان را بر خورد۔

تذکرۃ الشعرا بی نوشت و برا کثر آن ایراد گرفت گویا اعتراض نامہ ایست این تذکرہ بہ

نظر فقیر نرسیده - از زبان شاه عبدالکلیم حاکم حقیقت آن استماع یافت - آخر حال به دیره غازی
خان که قریب ملتان است رفت و در همانجا سنه ثمانین و مائتة و الف رخت از این عالم بر بست -
صاحب دیوان است - اما اشعار او به مولف نرسیده مگر این بیت او در رساله "جواب شانی" که
ذکرش می آید، به نظر در آمد:

نیست درد هر زبان بازی اگر مایه درد
از چه رو جامه تلخ است برسوسن را
'تلخ' به معنی سیاه است، میرزا صائب گوید:

گر ندارد ماتم ایمان این دل مر دگان
از چه دارد جامه خود کعبه اسلام تلخ

علی حسن در "صبح گلشن" آورده است:

"وارسته لاهوری، سیالکوتی مل نام داشت و برای تحقیق اصطلاحات فارسی بر زمین
ایران قدم گذاشت - سی سال در آنجا بود و کتاب مصطلحات الشعر اوصفات کائنات به کمال تنقیح
و تهذیب تالیف نمود و با شیخ علی حزیس لاهیجی محبتی داشت - بنا بر این رجم الشیاطین در جواب تنبیه
الغافلین خان آرزو نگاش - میرزا محمد حسن قاتل نبیره او بود و آهنگ سخن بدین طریق می سرود:

دل ز ذلفش مشک چین دارد هوس

این پریشان بند بر موبسته است

سر و در قص است قمری مست و دست افشان چنار

وقت بشکن بشکن تو به ست ساقی می بیار

رباعی:

از سیرت نواب زمامی برسی داند همه کس تو از کجایم پرسی

دانی که لئیم است و خسیس است و بخیل

بنی ده و فرسنگ چرامی پرسی

بھکوان داس ہندی نوشته است:

”مولدش سیالکوت در مضافات لاہور است۔ در نظم و نثر ماہر بود و بہ عروض و قافیہ

و اصطلاحات و لغت با خبر چنانچہ در این فن تالیفی دارد و شعر ہم خوب می گفت۔ از دست:

نگردد رام کس ہرگز دل و حشت لباس ما

چہ خونہا خوردہ طفل اشک تا شد روشناس ما

دکتر سید عبداللہ در کتاب خود، ادبیات فارسی در میان ہندوان، آورده است:

”وارستہ بہترین محقق عصر خود بود و نیروی انتقادی عجیب در خود داشت، روشی کہ محقق

رشیدی در علم لغت تجویز کردہ و ارستہ همان روش را اختیار نمودہ، سعی داشت کہ آن را پایہ تکمیل

رساند۔ متاخرین بہ استادی و ارستہ قایلند۔ او علم شعر را با تراکیب نوین مزین ساخت..... و ارستہ

در نامہ نگاری طرز خاصی داشت۔ او در شعر تصرف را درست نمی دانست۔“

اینکہ علی حسن نوشته است کہ و ارستہ بہ ایران رفتہ و سی سال در آنجا بود، صحت ندارد و این

اقتباس از جملہ ای کہ و ارستہ در مصطلحات الشعر نوشته است یعنی ”..... ناچار رجوع بہ زبان دانان

ایران دیار نمودم و پنجہ سال درین تلاش بسر بردم“ رخ دادہ است و گرنہ حقیقت این است کہ بہ

ہیچ وقت ایران نرفتہ و منظور از جملہ این است کہ او در جمع آوری کلمات و لغات و مصطلحات فارسی

ایرانیان مقیم ہند بہرہ جستہ است۔

آثار وارسته: دکتر سید عبداللہ کتابہای زیر را در آثار وارسته نام برده است۔

۱۔ مصطلحات الشعرا

۲۔ مطلع السعدین

۳۔ صفات کائنات (عجایب و غرایب)

۴۔ جواب شافی (رجم الشیاطین)

۵۔ جنگ رنگارنگ یا تذکرہ وارسته

مصطلحات، مطلع السعدین و صفات کائنات چاپ شده است و جواب شافی و جنگ رنگ

رنگ بطبع نرسیده است۔ اما یک اثر وارسته کہ احقاق حق نام دارد، ہیچ کس ذکر از آن نکرده است و نہ در ردیف آثار وارسته شمرده است۔ و رسالہ جواب شافی را کہ در رد اعتراضات سراج الدین علی خان آرزو بر اشعار عبدالحکیم بیگ حاکم لاهوری می باشد، آن را تقریباً ہمہ یکی از دفاعنامہ ہای اعتراضات خان آرزو بر اشعار حزین یاد در جواب تنبیہ الغافلین خان آرزو دانستہ اند کہ این ہم درست نیست در حالیکہ آزاد بلگرامی در خزائن عامرہ و شفیق اورنگ آبادی در گل رعنا بخشی از رسالہ جواب شافی را نقل کرده اند۔ بطور مثال دکتر شفیع کدکنی می فرمایند:

”کتابی بہ نام ”رجم الشیاطین (جواب شافی) تالیف وارستہ سیالکوٹی صاحب فرہنگ

مصطلحات الشعرا، در دفاع از حزین نام برده اند کہ متأسفانہ بندہ نتوانستم نسخہ ای از آن پیدا کنم۔

ہمہ جا در فہرستہا نام آن آمدہ است ولی از اصل آن، گویا، جایی خبری نیست۔ اگر پیدا شود بی گمان

کتاب مہمی است و یکی دیگر از دفاعنامہ ہا پیرامون شعر حزین است۔“

ہمچنین جنگ رنگارنگ، تذکرہ وارستہ نیست بلکہ بیاض مانند است و نسخہ خطی آن در

کتابخانہ مرکزی دانشگاه تہران در دو مجلد بہ شمارہ های ۵۶-۵۵ موجود است و نام

آن 'گلدسته' برجسته یا جنگ رنگارنگ آمده و با احتمال قوی بخط وارسته است. بنده آن را دیده بودم و از همین جا این اطلاع ذی قیمت بدست می آید که اسم پدرش، خوشدل، بود چون در فهرست، وارسته بن خوشدل، آمده است.

راجع به مصطلحات الشعر باید عرض کنم که سال تالیف آن ۱۱۴۹ هجری است و به صورت 'مصطلحات الشعر' چاپ شده است بدین صورت از آن عدد ۱۱۸۰ بدست می آید که سال وفات وارسته است. مولانا امتیاز علی عرشی در مکاتیب غالب (طبع: ۱۹۴۵ م) نوشته اند که بنا بر شهرت یافتن 'مصطلحات الشعر' الف و لام بر آن افزایش یافت و بدینگونه عدد الف و لام (۳۱) اگر بیا فزایم عدد ۱۱۸۰ می شود و سال تالیف مصطلحات بدون اضافه شدن الف و لام بر نام آن کتاب بدست خواهد آمد. و به نظر بنده نیز این درست بنظر من آید که نام کتاب وارسته 'مصطلحات شعر' است نه که 'مصطلحات الشعر'.

دلیل دوم این که مصطلحات شعر یکی از ماخذ هائی بهار عجم تالیف تیک چند بهار بوده است و بهار عجم در ۱۱۵۲ هجری تالیف شده است لذا اسم کتاب وارسته 'مصطلحات شعر' است که سال تالیف آن پیش از تالیف بهار عجم یعنی در ۱۱۴۹ هجری مشعر بر همین دلیل است.

احقاق حق: این رساله از تالیفات وارسته سیالکوتی مل است که در پاسخ گویی اعتراضات خان آرزو بر اشعار حزین که در تنبیه الغافلین آورده است، می باشد. سال تالیف آن معلوم نیست، وارسته می نویسد:

”/مکشوف باد که خان سراج المحققین..... براکثر اشعار شیخ وقت آئین، تفر دگزین، شیخ

محمد علی حزین ایرادها گرفته، رساله مسمی به ”تنبیه الغافلین“ ترتیب داده. چون بنده وارسته رساله مذکور را به نظر معان دیدم و بکنه آن دارسیدم، در یافتم که بیشتر ناشی از تعصب بی جا است. در ملت

سخن شناسی احقاق حق واجب دانسته - این چند ورق به قلم آوردم و "احقاق حق، نام گذارم" -

خان آرزو در تنبیه الغافلین ۳۱۵ بیت غزل و قصیده شیخ حزین و همچنین سه رباعی وی را مورد اعتراض های خود قرار داده است و وارسته در احقاق حق، ۶۹ بیت حزین را که مورد ایراد خان آرزو قرار گرفته بود، آورده و پاسخ خان آرزو را داده است - اومی خواست که تمام اعتراضات خان آرزو را جواب گفته شود اما چون در سفر بوده و حضور ذهنی و مواد لازم را در دست نداشت همانقدر که پاسخ داده است بر آن اکتفا نموده - در این مورد می گوید:

"..... اما چون در این روزها مصائب سفر بی حاصل که به حسب آن خورد و قسمت بد به سبیل خواهش و رغبت اتفاق افتاده به انضمام مروهات شتی سر رشته حواس از هم گسیخته و حضور خاطر را خواب فراموش نموده - مع هذا مصنفات فصحا که مستنبط منه مستندات است - حاضر نیست بالفعل بقدر استحضار جوابهای اکثر ایرادات نگاشته - اجوبه به واقعی به عونه تعالی بعد وصول به وطن نفس راست کردن بشرط حیات -

بی وفا به قلم آرم باقی داستان به فردا دست

وارسته در این رساله اول بعنوان 'قوله' بیت شیخ حزین آورده، سپس به عنوان، قال،

ایرادهای خان آرزو نقل کرده و پس از آن به عنوان 'اقوال' پاسخ خود را آورده است -

حاکم لاهوری درباره اعتراض های خان آرزو در تنبیه الغافلین بر اشعار حزین نوشته

است -

"آنچه خان آرزو در تنبیه الغافلین بر اشعارش (حزین) ایراد گرفت، اکثر آن از تم

شریکی است مگر در بعض مواقع گرفت بجا است -"

و شاعر معروف غالب دهلوی درباره پاسخ های وارسته می گوید:

وارسته سیالکوٹی صد جابر تحقیقات خان آرزو اعتراض وارد کرده است و ہر اعتراض بجا

است۔

لازم بہ ذکر است کہ در کلیات امام بخش صہبائی چاپ مطبع نظامی کان پور ۱۲۹۵ھ در
آخر آن رسالہ ای بنام 'اعلاء الحق' در جواب رسالہ احقاق الحق سراج الدین علی خان آرزو از ص:
۷۵۷ تا ۷۷۰ آمدہ است کہ از رسالہ، احقاق حق، وارستہ ہیچ ارتباطی ندارد۔ اما این رسالہ نیز در
نقد ادبی اہمیت بسزایی دارد۔ در آثار خان آرزو رسالہ احقاق الحق ہم دیدہ نشد۔
نسخہ های خطی: نسخہ های خطی رسالہ احقاق حق وارستہ کمیاب است تا بحال سہ نسخہ از این رسالہ
معلوم است بدین قرار:

۱۔ رام پور، کتابخانہ رضا، شمارہ: ۲۳۵۲ ب در مجموعہ، بخط نستعلیق مایل بہ شکستہ، کاتب عنبر
شاہ خان و تاریخ کتابت ۲۷ جمادی الآخر ۱۲۳۶ھ، ۱۱۱۸ الف تا ۱۱۳۳ الف، ہر صفحہ دارای ۱۹
سطر۔

۲۔ رام پور، کتابخانہ عمومی صولت، شمارہ ۱۸۴ در یک مجموعہ کہ شامل چہار شہرت
قتیل (از ص: ۱۵۰-۱۷۰) قرار دارد۔ این نسخہ ہم بخط نستعلیق است۔ کاتب نسخہ کنج بہاری لعل
و تاریخ کتابت آن ۴ ذی الحجہ ۱۲۵۲ھ روز سہ شنبہ می باشد۔

۳۔ پٹنا، کتابخانہ خدا بخش، شمارہ ۱۹۸۶ء بخط نستعلیق در ۴۶ برگ، نام کاتب و تاریخ
کتابت را ندارد۔ نسخہ ہم خوب نیست و اثر کرم خوردگی ہم دارد۔

جواب شافی: این رسالہ نام دیگری ہم دارد و آن 'رجم الشیاطین' است۔ مولف آن
وارستہ سیالکوٹی مل است کہ در سنہ ۱۱۶۳ھ این رسالہ را تالیف نمودہ۔ موضوع این رسالہ مثل
احقاق حق، نقد ادبی است۔ آزاد بلگرامی در خزانہ عامرہ در ترجمہ حاکم لاہوری می نویسد:

” (حاکم) کمر پیش فقیر نقل کرده و در مردم دیده هم نوشته که دیوان خود را نزد سراج الدین
علی خان آرزو بردم که به نظر تامل مطالعه نموده از حسن و قبح کلام آگاهی بخشد. اول امتناع نمود.
آخر نگاهداشت و بعد دو ماه فرستاد و آنچه بخاطرش رسید بر حواشی دیوان نوشت و بعد رفتن لاهور
چون وارسته سیالکوٹی اعتراضات خان آرزو را دید در برابر رساله نوشت و جواب شافی نام
گذاشت..... رساله جواب شافی تالیف وارسته حاضر است. وارسته را جواب بعضی اعتراضات
خوب بهم رسیده و جواب بعضی چنانچه باید بهم رسیده“.

سپس آزاد بلگرامی دو نمونه از رساله جواب شافی آورده که یک مثال جواب خوب
و دیگری، چنانچه باید بهم رسیده، آورده است.

بچمین شفیق اورنگ آبادی در تذکره گل رعنا نیز بخشی از رساله جواب شافی را نقل کرده
است. خود وارسته در سبب تالیف می گوید:

”..... بر ضمیر منصفان حق منش، حق چو خفی نماند که در شهود سنه هزار و صد و شصت و سه
هجری، خان سخندان، حکیم بیگ خان حاکم تخلص از دہلی بہ لاهور نزول فرمود بنده وارسته بہ حکم محبت
ہای دیرین، بہ دیدن خان، سری کشیدم و از دیوانش چشمی آب دادم. دیدم بر حواشی صفحات،
ایرادی ہای وارد و غیرہ وارد مرقوم است و برا کثر ابیات کہ از او صحت منقصت خطا زادی دارد، نظ
بیزاری کشدہ اند، قطع نظر از جہات دیگر، از ہر دری کہ در آمدہ اند، راہ در آمدند و از ہر بابی کہ
ابواب کردہ اند، در سخن گرفتہ است. بہ یک دیدن پای نظر از جا گرفت و چشم دل را حیرت رونمود.
بعد از استفسار معلوم شد کہ چراغ این اعتراضات تر کردہ شعلہ ادراک خان دقیقہ یاب، تحقیق
مآب، سراج الدین علی خان آرزو است زاد تحقیقہ و تدلیلہ، مرا کہ بہ استماع صیت سخنوری و
مطالعہ بعض مصنفات بلاغت آیات آن جان، معتقد بودم و بہ جامعیت کمال و کمال جامعیت

آن سرانج منیر شهبان گفت و گواعتقاد جازم دارم، سخت استعجاب روداد و تعجبی که از مشاهده رساله مسمی به سرانج منیر که در خاتمه آن گرفته‌های چند بر اشعار و فقرات منیر رقتی شده، داشتم، به اضعاف مضاعف رسید، مصرع:

حیرتم روداد از جایی که جای حیرت است
خان بر سر استبداد آمده به استدلال دلائل دفع اعتراضات مزبور مبالغه از حد برد. بلی، حق به جانب داشت که سخنباش به خاک (بیداری) می افتاد. من که به اظهار عیب غیر، به عرض کمال کوشیدن، عرض خود بردن می دانم و این کمال را نقصان کمال می شناسم، از قبول این امر پهلوتی می کردم. چون اقتراح خان دیرین آشنا از حد گذشت، اعلاء للحق رفع تشکیکات اشعار خان حاکم نموده، صحت سخنان منیر به ایراد دلائل محکم مدلل و برهن ساختم.“

و در خاتمه این رساله نوشته است:

”راقم در تحریر این سطور صدق منشور غیر نفرت حق از باطل و تمیز صواب از خطا امری دیگر مطمح نظر ندارد، حقا که جور و اقتسافی ملحوظ باشد لهنذا از دیده دران پاک نظر که انسان عین مردمی و عین انسان هنر بروری اند، امید آن دارد که چون مردم دیده اولی الابصار را بر این رساله که به جواب شافی، موسوم است، گذری افتد به عین انصاف درنگرند و از جانبداری و رودیدگی احدی انماض عین فرض عین دانسته و یدیه از تماشاهاهی هنر نپوشیده هر دورا به یک چشم درنگرند و آئینه مثال روی بیچ یکی نگاه ندارند و از سر صدق و راستی درنگرند که انصاف بالای طاعت است.“

دارسته در این رساله ۳۴ بیت حاکم و لا بیت منیر لا هوری را که مورد ایرادهای خان آرزو قرار گرفته بود، پاسخ گفته است:

نسخه های خطی: نسخه های خطی این رساله نیز زیاد نیست. از این رساله چند نسخه های خطی در

کتابخانه های زیر وجود دارد -

۱- لکهنو، کتابخانه عمومی امیرالدوله، شماره ۳۸۳۳۸، ۳۷۱۱ هجری، دارای مبرزین الدین احمد خان، به عنوان، جوابات اعتراضات خان آرزو، اینجاست مصنف حکیم بیگ خان حاکم آمده است که نادرست است، ۳۰ ص -

۲- لکهنو، کتابخانه تاگور دانشگاه لکهنو، شماره ۴۵۱۵۵، نستعلیق، ۸ صفر ۱۲۲۹ هجری، ناقص، به عنوان، لجا کمه، از وارسته، ۱۲ ص -

۳- رام پور، کتابخانه عمومی صولت، شماره ۱۸۴، نستعلیق، کنج بهاری لعل، ۲۹ جمادی الاولی ۱۲۵۲ هجری روز دوشنبه، در مجموعه، ۲۱ ص -

۴- پیشاور، کتابخانه مولانا اسرائیل کان اللہ، نستعلیق پخته، رضا علی رضوی، ۱۲۹۰ هجری، ۵۰ ص -

۵- پتنا، کتابخانه خدا بخش بانکی پور، شماره ۱۹۴۷/۱، نستعلیق، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، ۱۰ برگ، کرم خورده -

۶- پتنا، کتابخانه خدا بخش بانکی پور، شماره ۱۹۸۵، نستعلیق، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، ۷ برگ، کرم خورده -

هر دو نسخه، موخر الذکر در فهرست کتابخانه با نام غلط ثبت شده است بنده آن هر دو نسخه

را دیده ام -

حواشی و مصادر:

- ۱- کچھی نراین شفیق اورنگ آبادی: تذکرہ گل رعنا، ص ۱۶۹-۱۷۲۔
- ۲- علی حسن: صبح گلشن، ص: ۵۸۰
- ۳- بھگوان داس ہندی: سفینہ ہندی، ص: ۲۳۶۔
- ۴- دکتر سید عبداللہ: ادبیات فارسی در میان ہندوان، ص: ۱۳۱-۱۳۲۔
- ۵- دکتر محمد رضا شفیع کدکنی: شاعری در ہجوم منتقدان، ص: ۱۱۶، تہران ۱۳۷۵ ش۔
- ۶- مولانا امتیاز علی عرشی: مکاتیب غالب، ص: ۱۶۳، رام پور ۱۹۴۵ م
- ۷- حاکم لاہوری: مردم دیدہ، ص: ۶۶
- ۸- میرزا غالب دہلوی؟ عود ہندی، ص: ۴۳۔
- ۹- آزاد بلگرامی: خزانہ عامرہ، ص: ۲۰۱-۲۰۲۔